

امروز؛اولین جلسه غیرعلنی دادگاه فساد نفتی

درخصوص اینکه می‌گویند سند مذکور مصوبه هیات دولت نیست باید بگوییم اگر تشکیل کارگروه لازم نبوده چرا قبل از کارگروه این مصوبه را امضا کردید». او همچنین مدعی شد: «به گزارش سپاه پاسداران وزیر در اقدامی غیرکارشناسانه فروش نفت را به این افراد واگذار کرده است».

حمید فلاح: ۳۰ سال در یکی از استراتژیک‌ترین سازمان‌های نظام کار کردم

در ادامه جلسه متهم ردیف سوم بنا به درخواست قاضی صلواتی در جایگاه حضور یافت و به ارائه دفاعیات خود پرداخت. متهم ردیف سوم پرونده نفتی درحالی‌که سوابق و فعالیت‌های خود را در طول ۳۰ سال گذشته و خدمت‌هایی را که به نظام کرده است قرائت می‌کرد، به گریه افتاد. متهم در پاسخ به قاضی و در معرفی خود گفت: «حمید فلاح، متولد ۱۳۴۰، بازنشسته، دارای مدرک دکترای صنایع، متاهل و دارای سه فرزند با تابعیت ایران و بدون سابقه کیفری و ساکن تهران هستم». حمید فلاح هروی در دفاعیات خود گفت: «قریب به ۳۰ سال در یکی از استراتژیک‌ترین سازمان‌های نظام کار کردم و حدود چهار سال فرمانده عملیاتی گردان‌ها در جبهه بودم». متهم ردیف سوم پرونده فساد نفتی در این لحظه به گریه افتاد و عنوان کرد: «بارها کیفری و ساکن تهران هستم». حمید فلاح هروی در دفاعیات خود گفت: «قریب به ۳۰ سال در یکی از استراتژیک‌ترین سازمان‌های نظام کار کردم و حدود چهار سال فرمانده عملیاتی گردان‌ها در جبهه بودم». متهم ردیف سوم پرونده فساد نفتی در این لحظه به گریه افتاد و عنوان کرد: «بارها کیفری و ساکن تهران هستم و جانبا ز هستم و همسرم نیز خواهر شهید است». حمید فلاح‌هروی، گفت: «در هیچ کجای کیفرخواست سندی ارائه نشده است و به کلی‌گویی پرداخته شده است. طبق کیفرخواست تصمیم‌گیر، تصمیم‌ساز و مالک زنجانی بوده است». حمید فلاح ادامه داد: «در سال ۸۸ در شرکت «غدير» با معرفی یکی از افراد با زنجانی آشنا شدم. اینکه در کیفرخواست اشاره شده که من بعد از منفک شدن از شرکت «غدير» به مجموعه‌های زنجانی پیوستم کذب است. یکی از رنج‌آورترین اتهامات مطرح‌شده در کیفرخواست ادعایی صادر مبنی بر اینکه من عامدانه علیه نظام اقدام کرده‌ام».

تشریح تلاش مرتضوی برای همکاری با زنجانی
هجچنین روز گذشته، وکیل مدافع جمعی از کارگران در پرونده تأمین اجتماعی، اتهامات سعید مرتضوی در این پرونده را اهامال در انجام وظیفه و تصرف غیرقانونی خواند و گفت: «در این پرونده، مرتضوی تنها نیست و معاون سابق امور مالی تأمین اجتماعی نیز محاکمه می‌شود». مصطفی ترک‌همدانی در گفت‌وگو با تسنیم، با بیان اینکه در دادسرا در ارتباط با استخدام‌های بدون مجوز برای مرتضوی منع تعقیب صادر شده است اظهار کرد: «در کیفرخواست منع تعقیب صادرشده برای مرتضوی در پرونده تأمین اجتماعی، دو اتهام اهامال در انجام وظیفه و تصرف غیرقانونی مطرح است. هر چند در کیفرخواست، اتهام اخلاس مطرح نیست اما ما بحث اختلاس را رها نکردیم و در دادگاه پیگیری می‌کنیم». ترک‌همدانی درباره صدور قرار منع تعقیب برای مرتضوی در بحث استخدام‌های بدون مجوز افزود: «به قرار منع تعقیب صادره اعتراض کردیم و موضوع برای رسیدگی به شعبه ۱۰۵۷ دادگاه کارکنان دولت ارجاع شده است».

او در پاسخ به این سؤال که در چه مواردی برای مرتضوی کیفرخواست و در چه مواردی منع تعقیب صادر شده است گفت: «اتهامات مرتضوی به‌عنوان مدیرعامل پیشین تأمین اجتماعی و دادستان سابق تهران، متعدد و متفاوت بود. در رابطه با یک بخشی از اتهامات، کیفرخواست و در بخشی هم منع تعقیب صادر شد. در پرونده تأمین اجتماعی، فقط در ارتباط با موضوع استخدام‌های بدون مجوز، منع تعقیب صادر شده اما در دیگر پرونده‌های وی، موضوعات متفاوتی وجود دارد که از سال ۸۳ الی ۸۴ به این سو، شکایت‌هایی علیه این فرد به‌عنوان مقام قضائی شده که بعضا با قرار منع تعقیب و بعضا نیز با قرار مجرمیت و کیفرخواست مواجه شده است». به گفته ترک‌همدانی، مرتضوی در پرونده تأمین اجتماعی تنها محاکمه نمی‌شود بلکه در این پرونده، معاون سابق امور مالی تأمین اجتماعی نیز متهم است و مرتضوی به اتفاق معاون وقت خود محاکمه می‌شود. او در ادامه به اظهارات نماینده دادستان تهران در دادگاه محاکمه متهمان پرونده فساد نفتی و مراجعه هشتابن مرتضوی به در منزل مدیرعامل وقت شستا برای امضای تفاهم‌نامه با زنجانی اشاره کرد و گفت: «واژگانی که نماینده دادستان در آن جلسه به کار برد، عین اظهارات مدیرعامل پیشین شستا بود. مدیرعامل وقت شستا می‌گوید بعد از اینکه با پیشنهاد مرتضوی برای امضای تفاهم‌نامه موافقت نکرد، او با من بد شد و بعد از چند روز گفت که احمدی‌نژاد گفته به فلانی بگویند با این حساسیتی که نسبت به اموال و بیت‌المال دارم، می‌خواهیم تو را مدیرعامل بانک ملی کنیم که از حیث‌ومیل‌ها جلویی‌ری شود. فهمیدم می‌خواهند مرا اخراج کنند. بعد از سه الی چهار ماه خودم استعفا دادم و زیر بار این قرارداد نرفتم». وکیل مدافع جمعی از کارگران در پرونده تأمین اجتماعی افزود: «مرتضوی در این ماجرا به مدیرعامل وقت شستا گفته بود حالا که به‌عنوان مدیرعامل شستا، تفاهم‌نامه را امضا نمی‌کنی به‌عنوان کارشناس، قیمتی که ما دادیم را تأیید کن».

محمد رضا تاجیک در گفت و گوبا «شرق»:

اصلاح‌طلبان اگر برای مجلس برنامه‌ندارند نیایند

مرجان توحیدی



دوم خرداد۷۶ زمانی شکل گرفت که به گفته دکتر محمدرضا تاجیک، عوامل متعدد در این بازه زمانی به هم رسیدند و این سیاست یا به تعبیر او جنبش خلق شد. در این بازه، حلقه‌های فکری هم به خلق تئوری و نظریه پرداختند. آنها را مکتوب کردند و نشر دادند. آن نظریات بعد در بین عامه مردم هم بازتشر داده شد و این چنین شد که دوم خرداد از دل آن بیرون آمد. حالا در میانه دهه ۹۰، گویا آن حلقه‌های فکری در غیبتی به سر می‌برند که هم خودخواسته است و هم خودخواسته نیست. از دل نظریات پراکنده آنها نقد بیرون می‌آید اما تئوری خلق نمی‌شود. در فقدان و فقر تئوری است که سیاستی هم خلق نمی‌شود. مردم را درگیر نمی‌کند و همه سیاست‌ورزی و ابزار آن منحصر می‌شود به انتخابات. انتخابات به انتخابات، عده‌ای می‌آیند و می‌روند تا انتخابات بعدی، شاید دلیل بی‌تفاوتی گروهی از مردم هم همین فریزشدن تاکتیک‌ها باشد در کنار بی‌توجهی به سایر عوامل ازجمله عوامل فرهنگی، حاصل این بحث شد «بحران خلق سیاست» که آن را با دکتر محمدرضا تاجیک در میان گذاشتم. البته در بخشی از گفت‌وگو هم، درباره مقاله اخیر سعید حجاریان در ماهنامه اندیشه بویا بحث کردیم. حجاریان در آن مقاله، کار ویژه دولت را «نرمالیزاسیون» و نه «دموکراتیزاسیون» خوانده بود. تاجیک البته به بخش‌هایی از این نظر نقد داشت و به بخش‌هایی هم تکمله‌ای زد. حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

این گفت‌وگو در شماره ۱۱۱ «شرق» به چاپ رسیده است.

اگر می‌خواهیم واقعه‌ای مثل دوم خرداد را فهم کنیم باید از منطق «تعین چندجانبه» بهره ببریم یعنی نقش عوامل گوناگون را در پس آن نیک بنگریم. چه علل و عوامل گوناگونی چه نقشی ایفا کردند؟ صرف فضا اینکه به علل و عوامل گوناگون اشاره کنیم، کفایت نمی‌کند. تناسب این علل و عوامل چه بوده است؟ درهم‌رفتنی آنها چگونه بوده است؟ سهم هرکدام چقدر بوده است و چطور شکل گرفته‌اند؟ آیا در یک نقطه خاصی در آستانه این رویداد تاریخی شکل گرفته‌اند؟ نه، به صورت تاریخی شکل گرفته‌اند یا آهسته و پیوسته در دهه‌های متفاوت در زیر پوست جامعه شکل گرفته و در یک جا خود را نمایان کرده‌اند؟

می‌خواهم بگویم که ما یک‌سری علل و عوامل «در زمانی» داریم و یک‌سری علل و عوامل «هم‌زمانی». یعنی علل و عواملی که در آن مقطع خاص به صورت هم‌زمان چنین می‌شوند و به صورت عرضی عمل می‌کنند. یک‌سری علل و عوامل داریم که به صورت طولی عمل می‌کنند و به صورت تاریخی ساخته شده‌اند و در یک جا به‌هم می‌رسند و همدیگر را قطع می‌کنند. در یک جا، جغرافیای مشترک شکل می‌دهند و در بستر این جغرافیای مشترک است که ناهال دوم خرداد می‌روید. بنابراین به‌هیچ‌وجه معتقد نیستم که می‌توان صرفاً عامل اقتصادی یا صرفاً عامل روشنفکری دینی و عوامل فرهنگی و جهانی را در این عرصه مؤثر دانست. این نوع نگاه به اعتقاد من نوعی تقلیل‌گرایی است. اما آیا تمام اینها مؤثر بودند، بلکه آیا تمام اینها زمینه‌ساز آن جغرافیای مشترک شدند، بله!

من معتقدم که اگر می‌خواهیم تحلیلی صحیح‌تر از جنبش دوم خرداد به دست دهیم، باید از یک «بیانظریه» استفاده کنیم و در تلفیق نظریه‌های گوناگون، یک فضای نظری ایجاد کنیم و با آن عینک بیانظریه به این پدیده نگاه کنیم. پدیده باید در روشنائی بیاید. برای به‌روشنایی‌آمن‌دن یک پدیده باید پروژکتور را از زوایای مختلف نظری به آن افکند تا تمام پدیده خود را نشان دهد. من معتقد نیستم چنین باید تکلیف بگیرد و اگر فهم کنیم که چه عواملی با چه تناسبی باعث بروز و ظهور جنبش دوم خرداد شدند، حتماً فهم خواهیم کرد که راز و رمز تداوم و بدلنگی آن در چیست و نخواهیم گذاشت که جنبش اصلاحات کلیشه و خموده شود و به صورت جنبشی درآید که فقط هدف آن تسخیر دژ باستانی قدرت در پاسپورت است و هیچ توانمندی برای تسخیر ذهنیت انسان‌ها و ریزبندهای جامعه و ورود به ساحات روان و روح و فکر انسان‌ها ندارد. نباید چنین جفایی به جنبش اصلاحات کرد. جنبش اصلاحات فراتر از آن است که فقط به‌عنوان جنبشی برای تسخیر قدرت و ماکروفیزیک قدرت خلاصه شود. ماکروفیزیک قدرت فقط قسمتی از قضیه است. تسخیر میکروفیزیک قدرت هم در بطن و متن جنبش اصلاحی نهفته است.

بنابراین، انتقاد جدی من به اصلاح‌طلبانی است که یک نوع حیات آستانه انتخاباتی دارند. یعنی وقتی رایحه خوش قدرت – نه خدمت که دیربازی است رخت برپسته! – به مشام می‌رسد؛ پیدایشان می‌شود و فردایش غیبت صغری و کبری مشاهده می‌شود. یافت نمی‌شوند تا انتخابات بعدی. من اینها را اساساً اصلاح‌طلب نمی‌دانم. اینها را کسانی می‌دانم که ماسک اصلاحات بر چهره گرفته‌اند تا بتوانند به اهداف شخصی خود برسند و بسیار معتقدم که باید جریان اصیل اصلاحات تکلیف خود را یا این افراد مشخص کند و نگذارد که این‌گونه افراد اصلاحات را به قامت خودشان دریاورند و شکوه اصلاحات را به‌اندازه قد کوتوله خودشان تخفیف دهند